

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر ظاهر تیموری

۲۲ جنوری ۲۰۲۱



داکتر ظاهر تیموری

"بایدن" کارش را با دروغ آغاز کرد!

دیروز شاهد مراسم تحلیف رئیس جمهور امریکا، جو بایدن که از تلویزیون بی بی سی پخش می گردید، بودم. آقای جو بایدن بعد از مراسم تحلیف در سخنرانی خود د به مردم امریکا و جهان گفت:

ما امروز پیروزی دیموکراسی را جشن می گیریم.

در جامعه طبقاتی هیچ چیز نیست که مهر طبقاتی نداشته باشد، دیموکراسی نیز از این امر مستثنا نیست.

وقتی آقای جو بایدن از پیروزی دیموکراسی سخن می گوید، منظور و یا مطلب از کدام دیموکراسی است؟

دیوکراسی سیستم سرمایه داری یا دیموکراسی کارگران و توده های مردم؟

دیموکراسی مافوق طبقات و مافوق جامعه، دیموکراسی برای همه مردم جزگفتار بی معنی چیزی دیگری نیست.

جامعه سرمایه داری امریکا به طبقات متخاصم و متضاد و آشتی ناپذیر تقسیم شده، طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر با اقشار پایانی جامعه. هر طبقه به خاطر کسب منافع خود در مبارزه آشتی ناپذیر مرگ و زندگی، باهم در مبارزه و جدل اند.

سیستم سرمایه داری در امریکا قدرت را در دست دارد. این سیستم به خاطر حفظ منافع خود باید طبقه کارگر و اقشار پایانی جامعه را بچاید، استثمار نماید، ظلم ستم روا بدارد و دیکتاتوری اعمال دارد اما دیموکراسی فقط و فقط برای سرمایه داران است که در بهشت برین خود زندگی کنند.

چنین بوده در جامعه برده داری و ارباب رعیتی که دیموکراسی برای برده دار و ارباب و دیکتاتوری برای برده و دهقان.

دیموکراسی برای همه، دیموکراسی مافوق طبقات وجود ندارد دیموکراسی و دیکتاتوری پشت و روی یک سکه اند. دیموکراسی و دیکتاتوری لازم و ملزوم یک دیگر اند.

وقتی جوابیدن از پیروزی دیموکراسی به مردم جهان و مردم امریکا سخن می راند منظور همان دیموکراسی سرمایه داری است. این دیموکراسی از طبقه کارگر امریکا و توده های مردم امریکا وحشت دارند در غیر آن چه لزوم داشت که بیست و پنج هزار از عساکر گارد به اصطلاح ملی در اطراف و مقابل قصر کاپیتول جا به جا شوند؟ باز جوابیدن می گوید ما شریک صلح در جهان خواهیم بود. این دیگر کاملاً مزخرف است.

سیستم سرمایه داری برای تولید ارزش اضافی و تولید سرمایه و برای آن که چرخ سرمایه را به حرکت درآورد، برای این که از یک طرف کالا های تولید شده خود را به فروش برساند از طرف دیگر مواد اولیه و مواد خام برای تولید خود را داشته باشد ضرورت به دریافت بازار های فروش در خارج از کشور خودی دارد، ازین جهت است که در کشور های دیگر دست به کودتا می یازد تا رژیم ها طرفدار خود را به وجود آورد و یا مستقیم با مداخلات نظامی کشور های دیگر را اشغال می نماید

مثال های زیادی در زمینه وجود دارد. مگر اشغال عراق، لیبیا، کشور خودم افغانستان و بقیه کشورهای شرق میانه توسط امپریالیسم امریکا به منظور دریافت بازار فروش کالا و تهیه مواد خام ازین کشور ها نبوده. توسعه طلبی، جنگ، اشغال کشور های جهان در نهاد سرمایه داری و امپریالیسم نهفته است امپریالیسم بدون جنگ و اشغال نمی تواند به موجودیت خود ادامه دهد.

این دیگر باید کاملاً واضح باشد وقتی که جوابیدن از مشارکت در صلح جهانی حرف می زند منظورش همان تسلط کامل بر جهان و کشور های جهان سوم است.

جوابیدن می گوید: ما می خواهیم منشاء خیر در جهان باشیم کاملاً دروغ می گوید. خیرخواهی و کمک های دول سرمایه داری از جمله امپریالیسم امریکا به کشورهای جهان سوم فقط یک منظور دارد ، آنها با کمک های خیرخواهانه خود می خواهند کشور های جهان سوم را تحت تسلط اقتصادی ، سیاسی، فرهنگی خود قرار دهند.

آقای جوابیدن عوض این که منشاء خیر برای جهان شوید به کشور خود به ملت خود مصدر خیر شوید! آقای جوابیدن شما مگر نمی دانید در کشور امریکای بزرگ شما فقر و بیچارگی بیداد می کند می لیون ها امریکائی بدون سرپناه در گرمای سوزان و سرمای کشنده در روی سرک های شهر های بزرگ می خوابند چرا برای این مردم فقیر منشاء خیر نمی شوید!؟

آقای جوابیدن شما مگر نمی دانید که میلیون ها نفر در کشور شما بیمه صحتی ندارند . اگر یک امریکائی بیچاره به عمل جراحی ضرورت داشته باشد باید تمام پول پس انداز خود را برای خرج مدوا بپردازد در غیر آن از بیمارستان رانده خواهد شد چرا شما برای این مردم منشاء خیر نمی شوید که بیمه صحتی داشته باشند. آقای جوابیدن شما مگر نمی دانید سالانه هزاران فرد امریکائی چه مرد و یا چه زن از سبب نداشتن ابتدائی ترین وسایل معیشت زندگی می مرنند.

شما باید برای این مردم بدبخت منشاء خیر شوید تا آنها چیزی برای بخور و نمیر داشته باشند. آقای جوابیدن مگر شما نمی دانید که زندان های شما مملو از فقیرترین افراد جامعه امریکا مخصوصاً سیاهان است که تعداد آنها به میلیون ها نفر می رسد. مگر همین سیاهان بیچاره در اثر فقر و ناداری توسط قانون خود ساخته تان به زندان های شما زندانی نیستند.

مگر فقر و بدبختی، دزدی و فحشاء، آدم کشی زاده همین سیستم سرمایه داری شما نیست با این حال از دیموکراسی منشاء خیر برای دیگران سخن به میان آوردن مسخره نیست!؟

آقای جوبایدن می گوید ما به دنبال اتحاد ملت خود هستیم. این دگر یاوه سرائی است. کدام اتحاد ملت؟ وقتی که شگاف عمیقی بین طبقه کارگر و اقشار پایانی جامعه و طبقه سرمایه دار وجود دارد. وقتی که تضاد در جامعه بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر و اقشار پایانی، تضاد آشتی نا پذیر و یک تضاد بین مرگ و زندگی در جامعه وجود دارد از اتحاد و آشتی سخن گفتن چه مفهوم دارید.

کدام اتحاد؟؟ وقتی که در اثر نژادپرستی تان که یکی خصایص سیستم سرمایه است هزاران سیاه پوست توسط پولیس سفید پوست به ضرب گلوله به قتل می رسد و هر زور شگافی عمیقی در روابط اجتماعی جامعه شما بین طبقه سرمایه دار و کارگر به وجود می آید. آن وقت صحبت از اتحاد جز افسانه سرائی چیز دیگری نیست.

آقای جوبایدن از واقعه تصرف کاپیتول توسط یک عده افراد طرفدار ترمپ یاد آور شد. جوبایدن گفت: ما بر افراطی کردن داخلی و تروریسم غلبه خواهیم کرد.

به اصطلاح مردم، خدا را شکر که در امریکای متمدن این مهد دیموکراسی جهان تروریسم پیدا شده. تا حالا امریکایی ها علیه تروریسم مقابله می کردند حال کی و کدام کشور به کمک امریکا بشتابد. این تروریسم یک مرض مهلک و بدتر از کرونا است. بیچاره امریکائیا که چون ما مردم هم مصاب کرونانشده و هم تروریسم آنجا رخنه کرده.

موضوع تصرف کاپیتول محصول تضاد های بین نمایندگان سرمایه داری بوده که در آن هیچ بویی از یک روند و حرکت و جهش مردمی به مشام نمی رسد بلکه نمودی از فاشیسم افسار گسسته نمایندگان سرمایه داری بوده.

اما حادثه کاپیتول به خودی خود نمودار یک موضوع مهم است که اگر توده های مردم به پا خیزند، مهد دیموکراسی بزرگترین ابر قدرت جهان را به تصرف خود در می آورد.

در حادثه مشاهده کردیم، این نمایندگان سرمایه داری که خود را نمایندگان ملت جاه زده اند چگونه دنبال سوراخ و سمبه ها می گشتند تا خود را پنهان کنند. تعداد از سناتور ها خود را زیر چوکی ها پنهان کردند تا از خطرناجات یابند.

این حادثه چنان لرزه به کاخ ستم امپریالیستی انداخت که همه دول سرمایه داری شوک دیدند و برای محافظت کاپیتول های خودی اضافه ارتش و ژندارم به خدمت گماشتند.

اکنون امپریالیسم امریکا با عده زیادی تضاد های داخلی و خارجی دست به گریبان است که حل آن توسط دولت امریکا به آسانی مقدور نیست. سرانجام این دولت رو به زوال بوده و این حکم تاریخ است.